

از آب تا سراب

مؤلف:

محسن صادقی نیه

ویراستار:

الهام خورسند





از آب تا سراب

محسن صادقی نیه

جور جام موفقیت را به کسی دهند که

هفت جان خویش را در راه هفت خان

موفقیت فدا کند.

این کتاب را به

فاطمه، همسر فداکارم و

بزرگمهر، پسر عزیزم و

مهربانو، دختر دلبندم

تقدیم می‌کنم.

مقدمه

گاهر ما انسان ها، دنبال آب هستیم . لآ به سراب مرسیم .

گاهر بر آن هستیم تا عرش نشین شویم لآ چشم که باز میکنیم فرش نشین

شده ایم .

گاهر در زمین بر اسب عزت سواریم لآ در واقعیت بر تخت ذلت نشسته ایم .

گاهر کمان مرنیم تمام عمر کار کرده ایم ماهرانه، غافل از آن که کار کرده ایم جاہلانه .

گاهر در خواب، سواره ایم چون پیدار مرسویم مرنیم پیاده ایم .

گاہر ادعا مرنیم، منہ مر کشم جو رپیالہ ی دوستان

کار بہ کار زار عمل کہ مر سربہ جو، پیالہ ی ما مر کشد دوستان.

گاہر گمان مرنیم آمدہ ایم موفقت ہمارا حاکم کنیم.

غافل از آن کہ آمدہ ایم بہ موفقت ہمارا فخر کنیم.

گاہر ادعا مرنیم، روشن فکریم و اہل مناظرہ

بہ محافل کہ مرویج، اہل مبارزہ ایم

گاہر....

شاید اینهمه اختلاف بینم آنچه که میخواهیم و آنچه حاصل میشود

آن است که دقیقاً نمردانیم چه میخواهیم. برای آنکه بدانیم چه میخواهیم، باید تفاوت

آنچه را که به دست آورده ایم و آنچه را که میخواهیم، بدانیم.

در این کتاب تلاش شده است تعداد کم از این تفاوتها را بر شماریم. باشد تا در

آینده دقیقتر بدانیم چه میخواهیم و چه نمخواهیم یا چه را میخواهیم و چه چیز را کمتر

مخواهیم.

۱- تفاوت اثر بخشی و کارایی

ما به تفاوت درحوزه رفتار سازمانی و هدف

گذاری در مدیریت زمان می پردازیم و به معانی

این دو واژه در علوم دیگر توجه نداریم. همان

طور که می دانیم برای هر کاری نیاز به استفاده

از منابع مختلف وجود دارد. افزایش کارایی یعنی؛

با منابع کمتر، یک فعالیت، درست انجام شده

است و منابع بیشتری حفظ می شود. اگر برای

پروژه ای پول، زمان یا افراد کمتری به کار

بگیریم، افزایش کارایی در پی خواهد داشت. اما

اگر تمرکز ما ، هنگام کار به هر دلیلی کم شود،

استفاده درست از منبع زمان نشده است و در

نتیجه کارایی کم می شود.

دقت کنید در تعریف کارایی مهم نیست کاری

که انجام می دهید درست است یا نادرست؛ در

واقع میزان مصرف منابع برای همین کار مورد توجه است.

اثر بخشی به هم سو بودن فعالیت ها و کارهای انجام شده با هدف تعیین شده، توجه دارد. پس هرچه اثر بخشی بیشتر شود؛ یعنی فعالیت ها بیشتر از قبل با اهداف ما متناسب بوده است. همچنین برای افزایش اثر بخشی باید از اهداف، چشم انداز و مأموریت خود بیشتر بدانیم.

در زندگی واقعی، ما انسانها معمولا دنبال افزایش

کارایی هستیم، اما به اثر بخشی، کمتر توجه

داریم .

اثر بخشی یعنی؛ آیا مطالعات من در جهت

اهداف من است؟

آیا انتخاب دوستان من در جهت اهداف من

است؟

آیا کلاس ها، دوره ها و مدارک کسب شده در

جهت اهداف من است؟



۲- تفاوت بین استاد و مربی

همیشه در زندگی کلماتی مانند استاد و مربی

را می شنویم، اما چندان به تفاوت آنها توجه نمی
کنیم.

یک معلم یا استاد، آموزش لازم را به شاگردان

خود می دهد که سبب رشد و پیشرفت شاگردان

می شود؛ اما مسیر رشد و پیشرفت به غیر از معلم

و استاد به افراد دیگری هم نیاز دارد. افرادی

هستند که مهارتی را به فرد یا افراد می آموزند یا

استعداد خاصی را در او کشف می کنند و آن را

پرورش می دهند.

برای مثال؛ دانشجویی که در یک رشته فنی

فارغ التحصیل شده و نیاز دارد به عنوان مدیر

استخدام شود، باید از فن بیان خوبی برخوردار

باشد. او در کلاس فن بیان ثبت نام می کند و به

یادگیری آن مهارت می پردازد.

اما یک سوال : آیا این فرد می تواند برای چند

صد پرسنل، مهندس، مدیر و ... سخنرانی

تأثیرگذاری داشته باشد؟



مربی کسی است که مهارت شما را چنان

صیقل می دهد تا در آن به حد اعلا برسید. او

چنان فن بیان شما را آنالیز کرده و نقاط ضعف و

قوت آن را پیدا می کند و با تلاش و خلاقیت از

درون شما یک سخنور بیرون می کشد که می

توانید سخنرانی های تاثیر گذار داشته باشید.

همان چیزی که توسط معلم و استاد از درون

شما کشف نشده بود، توسط مربی آشکار و رشد

داده می شود. انسان ها معمولا معلم و استاد را

در طول زندگی تجربه می کنند؛ اما اگر می

خواهید یک انسان تاثیر گذار باشید، باید مربی

های مختلفی را استخدام کنید تا بتوانید متمایز

باشید. گاهی نیاز است یک مربی، معلم و استاد

هم باشد؛ زیرا همواره این تخصص ها نیز، هم

پوشانی دارد. هر انسان موفق در طول عمر،

شاگرد معلم و اساتید مختلف است، اما اگر

می خواهید آینده کسی را پیش بینی کنید

و بدانید در کدام مسیر موفقیت قرار دارد،

به مربیان اطراف او بنگرید.

۳- تفاوت اراده و پشتکار

اراده، قدرت درونی است که در ذهن ما اتفاق

می افتد؛ اما گاه ساده و گاه پیچیده است و کمک

می کند تصمیم ها و انتخاب های صحیح تری

داشته باشیم؛ همچنین تلاش و پشتکار سبب می

شود اراده شما، متولد شده و بزرگ و بزرگ تر

شود و نیز دیگران از بودن اراده ما آگاه شوند. با

یک اراده، گام برداشتن به سمت هدف شروع

می شود، اما تله های مختلف در ذهن، جلو اراده

و سپس انتخاب شما را می گیرند. به طوری که

اراده در مسیر موفقیت، به ذهن ما محدود شده

و صورت ظاهری پیدا نمی کند. هر چه تلاش و

سپس پشتکار شما بیشتر باشد، عمر اراده و

انتخاب شما بیشتر است .

اگر اراده به ورزش کنیم و بلند شویم و شوتی

بزنیم، اراده به یک باره متولد می شود، اما اگر

ادامه ندهیم، اراده می میرد. اکثرا اراده انسان

چون همراه تلاش و پشتکار نیست، در شکم ذهن

مرده بدنیا می آید. اما هستند انسان های بزرگی

که عادت به اراده و تلاش و پشتکار دارند. آنها با

تولد هر اراده در ذهن به آن، عمر دوباره می

دهند. پس ابتدا اراده کنیم و با فشردن دست

تلاش ، هدف هایمان را واقعی می کنیم و با

وفادار ماندن به تلاش در شرایط سخت، صفت

پشتکار و همت را برای خود ایجاد کرده و

غیرممکن ها را ممکن کنیم. افراد با انگیزه از

اراده خوب همراه، تلاش مستمر و درست،

برخوردارند، اما افراد امیدوار از همت و پشتکار

عالی برخوردارند.



۴- تفاوت ارزش و قیمت

قیمت آن چیزی است که شما پرداخت می

کنید و ارزش آن چیزی است که شما دریافت

می کنید.

مشتري، وقتی چیزی را می خرد که ارزشی،

بیشتر از قیمتی که پرداخت می کند، به دست

آورد. اگر می خواهید در دنیای رقابت موفق

شوید، باید ارزش بیشتری خلق کنید تا مشتری

های خود را به دست آورید. انسان ها عموماً

قیمت هر چیزی را می دانند، اما ارزش بسیاری از

چیزها را نمی دانند. هر چیزی می تواند برای هر

فرد قیمت و ارزش متفاوت داشته باشد، عموم

مردم فقط به قیمت توجه دارند، اما انسان های

موفق هم به قیمت و هم به ارزش توجه دارند.

چرا وقتی یک چیز گران می شود، مردم تمایل به

خرید پیدا می کنند؟! چون فکر می کنند، قیمتی

که می دهند، کمتر از ارزش آن درآینده خواهد

بود. انسان ها اکثر برای رسیدن به چیزی، این دو

را جای هم استفاده می کنند. آنها عددی را برای

خرید یک بازی روی گوشی می دهند، اما ارزشی

که آن بازی به آنها اضافه می کند، چیست ؟ آن

بازی نه تنها هیچ ارزشی به آنها نمی دهد، بلکه

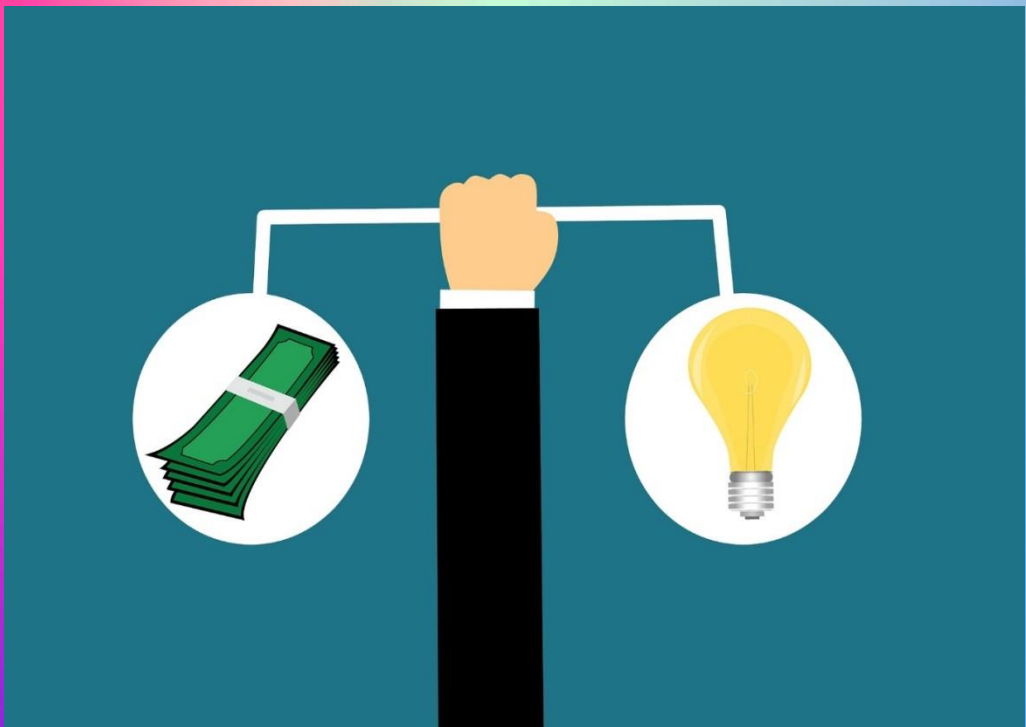
بسیاری از ارزش های آنها را می گیرد. مانند:

زمان، عمر، سلامتی، کاهش ارتباط و اما اگر

همان مبلغ یا مبالغ مشابه آن را صرف ثبت نام

در کلاس های توسعه فردی کنند، بسیار بیشتر از

مبلغی که می دهند، ارزش کسب می کنند.



۵- تفاوت استرس و اضطراب

این دو واژه برای بیان تجربه های احساسی

منفی به کار می رود. استرس موقت است، اما

اضطراب دائمی است. استرس واکنشی است به

مشکلات و فشارها و می تواند محرکی برای

ایجاد اضطراب باشد اما اضطراب واکنشی است به

وجود استرس ها؛ در واقع اضطراب، نشانه های

بیرونی یک استرس حاد است. افرادی که

اضطراب دارند، معمولاً متأثر از عوامل بیرونی

استرس را هستند. در واقع استرس زمانی تمام

می شود که عامل استرس را تمام شود. اما حل

مشکل اضطراب، نیازمند مشاوره، روانشناسی و

دارو درمانی است. همواره، همه ما استرس و

اضطراب را تجربه می کنیم. اگر یاد نگیریم،

مشکلات زندگی را حل کنیم، استرس و اضطراب

در ما همیشگی خواهد شد و زندگی را تلخ و تلخ

تر می کند. در اضطراب همواره یک ترس و

نگرانی وجود دارد در صورتی که تهدیدی وجود

ندارد.. استرس دلیل روشنی دارد و می تواند

مثبت باشد، اما اضطراب دلیل روشنی ندارد و

تحت هیچ شرایطی مفید نیست و در واقع درک

خطر غیر واقعی و غیر فوری است. معمولاً زمانی

که دچار استرس می شویم، حس می کنیم در

کنترل آن ناتوان نیستیم و می توانیم راه غلبه بر

آن را پیدا کنیم، اما معمولاً در اضطراب تفکر

غالب، این است که کاری از دست ما بر نمی آید.

اگر استرس را نتیجه یک عامل بیرونی بدانیم،

اضطراب همان عاملی است که از ذهن ما خارج

نشده باشد.



۶- تفاوت اشتباه و خطا

اشتباه یعنی علم موضوعی را داریم، اما هنگام

اجرا به دلیل مشکلات فردی یا محیطی آن کار را

درست انجام نمی دهیم. اما خطا یعنی علم آن

موضوع را نداریم ولی دست به آن کار می زنیم.

انسانها باید با یاد گیری، خطاها را از زندگی

حذف کنند. در واقع موفقیت یعنی حذف خطاها

با یادگیری. عموم مردم خطاکار هستند تا اشتباه

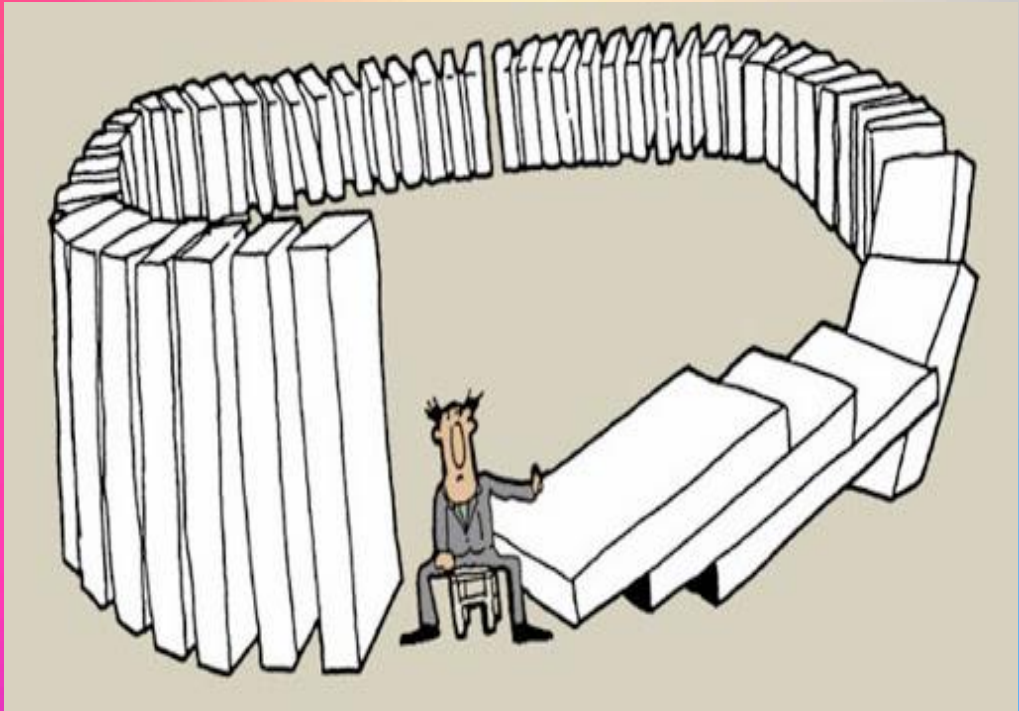
کار. عموم مردم اصول موفقیت را نمی دانند و

موفق نمی شوند، پس خطا کار هستند نه اشتباه

کننده و انسانی که اشتباه نمی کند، یعنی دست

به هیچ کاری نزده است و املاي ننوشته هم، غلط

ندارد.



۷- تفاوت انعطاف پذیری و سازگاری

انعطاف پذیری یک فرآیند پویاست که سبب

انطباق مثبت می شود. در انطباق پذیری ابعادی

چون شخصیت، منش، مزاج و مهارتی خاص چون

حل مسئله، درگیر می شود. پس انعطاف پذیری

یک ساختار چند بعدی است؛ البته منظور از

انعطاف پذیری به هیچ وجه معنای تسلیم شدن

نیست، بلکه انعطاف پذیری کمک می کند در

مقابل شرایط جدید و پیچیده، دچار سردرگمی و

خود باختگی نشویم و در واقع یک انتخاب

آگاهانه برای رشد و توسعه است و کمک می کند

انسان دارای دور اندیشی و آمادگی باشد.

"همرنگی" را می توان تغییر در رفتار یا

عقاید شخص در نتیجه اعمال فشار واقعی یا

خیالی از طرف فردی دیگر یا گروهی از مردم

دانست. انسان همواره در بین ارزش های مربوط

به فردیت و ارزش های مربوط به همرنگی با

جماعت در حالتی پر از تنش به سر می برد که

همرنگی با جماعت، عموماً از بی کفایتی فرد می

باشد که به نوعی مبتلا به کوری ذهنی است و

یک انتخاب از روی اجبار برای حفظ شرایط

موجود است و به ظاهر، امنیت و آرامش می دهد،

اما این امنیت و آرامش دائمی نیست، چون دلایل

کاری را که می کند، نمی داند.



۸- تفاوت انتخاب و تصمیم گیری

فاصله مفهومی انتخاب و تصمیم گیری بسیار

کم است. تصمیم گیری یک فرآیند بوده و مهارت

حل مسئله جزئی از این فرآیند است که تعدادی

گزینه مقابل شماست که با توجه به دانش خود

به سمت انتخاب یکی از این گزینه ها هدایت می

شوید و اگر بین گزینه های مختلف سرگردان

هستید با مهارت حل مسئله، وارد فرآیند تصمیم

گیری می شوید و سپس با اجرای مهارت حل

مسئله شما به گزینه مورد نظر که باید انتخاب

کنید، می‌رسید. به طور خلاصه تصمیم‌گیری

یک فرآیند و انتخاب گزینه نهایی ماست و بهتر

است بر پایه عقل، دانش و حل مسئله باشد تا

احساس، اما عملاً احساس هم بر تصمیم‌گیری

تاثیر دارد. هرچه اطلاعات ما فزون‌تر و تسلط ما

به عوامل روانی، فردی و اجتماعی بیشتر باشد و

بتوانیم شرایط ابهام را تحمل کنیم و کمبود منابع

نداشته باشیم، احتمالا شرایط برای یک تصمیم

گیری مناسب بوده و انتهای این تصمیم گیری،

انتخاب درستی خواهیم داشت و با تغییر هر یک

از عوامل موثر، فرآیند جدیدی آغاز می شود.

پس تصمیم گیری یک فرآیند پویاست که با

اتمام هر فرآیند تصمیم گیری، باز فرآیند دیگری

شروع می شود و باز انتخابی دیگر.



۹- تفاوت انگیزه و امید

اگر امید نبود، هیچ باغبانی نهالی نمی کاشت.

امید در کنار تلاش معنی پیدا می کند و

امیدواری در شرایط سخت خود را نشان می دهد.

انسان ها ابتدا انگیزه پیدا می کنند، اما عمر

انگیزه کم است و آنچه آنها را در طولانی مدت به

حرکت و می دارد، امید واری است. انگیزه بیشتر

به زمان حال و آینده نزدیک مربوط می شود، اما

امیدواری به آینده دور می نگرد و هم نشین

آرزوهاست. انگیزه با هدف در می آمیزد. انگیزه و

امید، زاییده درون و محیط پیرامون ماست.

امیدواری محصول نگرش و باور مثبت و عادت

پسندیده است که در کنار باور، ما را یاری می

دهد که از زندگی سخت هم احساس مثبت و

خوب دریافت کنیم؛ همچنین کمک می کند

سبد زندگی ما، دستاوردهای دور از انتظار را در

خود جای دهد و به ما انعطاف پذیری و صبر در

شرایط سخت را می دهد. در مقابل کم انگیزه

شدن به ما بی تفاوتی می دهد و ناامیدی،

افسردگی می آورد. هم انگیزه و هم امید، متأثر از

دوستان است و از آن مهمتر، متأثر از هوش

معنوی است. بنابراین هرچه رابطه ایمانی خود را

با خدای متعال زیباتر کنیم، انگیزه ما جوشان تر

و امیدواری، بیشتر می شود. در امیدواری، منطق،

تجربه و باور های ما، تاثیر می گذارد. وقتی

شرایط تیره و تاریک می شود، وقتی غیر ممکن

بیشتر از ممکن، ذهن را به خود مشغول می کند،

وقتی سپاه افکار منفی و ترس از شکست و انتقاد

و دیگر ترس ها، مدام در ذهن، رژه می رود تا

انگیزه، نفس های آخرش را بکشد، ارتش تک

نفره امید، همراه صبر و تامل می تواند، عامل

نجات و پیروزی ما شود .



۱۰- تفاوت انگیزه و انگیزش

انگیزه، گرایشی ذهنی همراه با جهت، شدت و

پافشاری است که به موقعیت بستگی ندارد. برای

مثال ما، در هر شرایطی تمایل به پیشرفت و

موفقیت داریم. در بسیاری از مواقع، ما انگیزه

موفقیت داریم و در تصورات خود می خواهیم

جام موفقیت را بالای سر ببریم و خود را در

شرایط تشویق و تحسین دیگران ببینیم و انگیزه

بالایی در ما باشد، اما ممکن است اقدام عملی و

اصلاح رفتار و تغییر نداشته باشیم؛ چرا که

همواره موفقیت در کنار تغییر است؛ تغییر در

افکار، باور ها، عادت ها، رفتارها و

اما انگیزش، اقدام و عملی در مسیر موفقیت و

به معنی مجموع متغیرهای پیچیده رفتاری و

محیطی که منجر به اقدام و عمل به فعالیت های

جهت دار و هدفمند می شود؛ بنابراین کلید واژه

ای که با موفقیت متناسب تر و موثرتر می باشد،

انگیزش است.

ما باید مراحل را طی کنیم که از یک فرد با

انگیزه به فرد انگیزشی تبدیل شویم. پس انگیزش

از جنس فرآیند است؛ فرآیندی که انگیزه را در

فرد، گروه یا تیم ایجاد می کند، یا کاهش و

افزایش می دهد. انگیزش در ما، اقدامی ایجاد می

کند که همراه با شناخت است؛ شناخت هیجان

و رویدادهای بیرونی که به رفتار ما نیرو و جهت

می دهد.



۱۱- تفاوت آموزش و یادگیری

آموزش به معنای ارائه اطلاعات و دانش از

طریق سخنرانی، نوشتن و ... ؛ اما یادگیری یعنی

بکارگیری آنچه آموزش دیده ایم. آموزش بدون

یادگیری سبب می شود، ما تفکر کردن را یاد

نگیریم و عدم یادگیری سبب کاهش خلاقیت ما

می شود؛ بنابراین آموزش، مقدمه یادگیری است.

در آموزش همواره مدرس و دانشجو حضور دارند،

اما در یادگیری همه چیز به فرد یاد گیرنده

بستگی دارد. در واقع یادگیری، جنبه درونی و

آموزش، جنبه بیرونی دارد و شرایط آن، توسط

فرد یاد گیرنده تعیین می گردد و سبب عملکرد

بهتر ما شده و کمک می کند تعامل ما با محیط

اطراف بسیار بیشتر شود. در صورتی که شرایط

آموزش، توسط فرد یاد دهنده مشخص می شود.

توجه کنید که لزوما هر آموزشی منتج به

یادگیری نمی گردد. آموزش معمولا زمان مشخص

و کوتاهی دارد و توجه به نیاز فوری است، اما

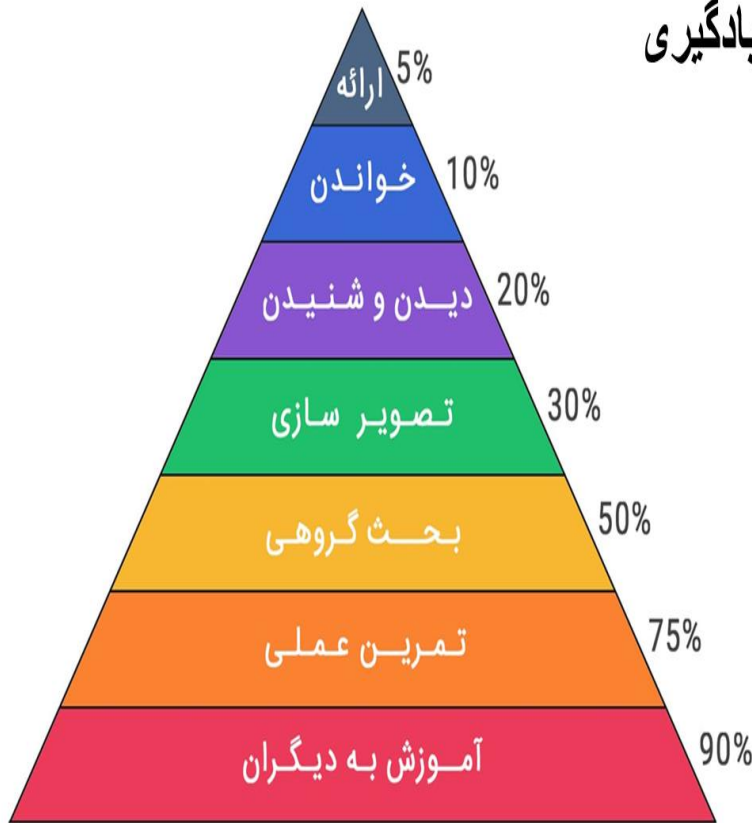
یادگیری، زمان نامشخص و طولانی تری دارد و

تمرکز روی نیازهای حرفه ای است. یادمان باشد

یادگیری، محدود به زمان و مکان نیست، اما

آموزش می تواند محدود به زمان و مکان باشد.

هرم یادگیری



۱۲- تفاوت برنامه ریزی و استراتژی

برنامه ریزی؛ مجموعه ای از تصمیمات در یک

دوره زمانی مشخص با فراهم کردن امکانات و

منابع در جهت محقق شدن اهداف است؛

همچنین یک جریان مداوم و پیوسته است که به

اولویت ها و آینده نگری توجه دارد و نیز

هماهنگی بین امکانات، برای محقق شدن هدف

و انتخاب یک راه از بین راه های مختلف به

وجود می آورد. در برنامه ریزی، تأکید بر گذشته

و حال است و طبق مراحل مشخص به استقبال

آینده می رود. اما استراتژی یعنی انجام کارهایی

که هیچ کس انجام نداده است و نگاهیست که به

فرصتها دارد، بدون در نظر گرفتن زمان. در

استراتژی باید بدانیم با رقیب چگونه رقابت کنیم

، چراکه مانند برنامه ریزی مداوم و پیوسته و به

صورت یک فرآیند نیست که از مرحله ای به

مرحله دیگر برویم.



برخی از آثار نویسنده



جای دوم



تألیف

۲۲۲ ضرب المثل سعی برای موفقیت

ضرب المثل سعی



نگاهی متفاوت به ضرب المثل های ایرانی

از دریچه نگاه استاد محسن صادقی نیه

مؤلف: محسن صادقی نیه

مدیر پروژه: میکلاک آرا

ویراستاران: الهام خورشید - میکلاک آرا

نگاهی متفاوت به ضرب المثل های ایرانی

از دریچه نگاه استاد محسن صادقی نیه



در تمام طول تاریخ جمله‌های زیادی از افراد مختلف گفته شده و داستان‌های بسیاری نقل شده اما برخی از آنها که با روح و اعتقادات جامعه همراه بوده به دنیای ضرب‌المثل‌ها راه پیدا کرده.

ضرب المثل‌ها در همه جای دنیا وجود دارند اما به این معنی نیست که همه آنها درست هستند و می‌توان به آنها اعتقاد کرد. ضرب‌المثل‌ها همانطور که می‌توانند یک پند حکیمانه ارزشمند باشند، می‌توانند ابزاری برای مسئولیت‌گریزی و فرار از انجام وظیفه، تأخیر و یا توجیه رفتار غلطان باشند. در این کتاب ارزشمند، به برخی از این ضرب‌المثل‌ها اشاراتی شده و کمک می‌کند تا فکر بیشتر به این موضوعات نگاهی داشته باشیم.

محمد پیام پور
نگارش بیش از ۹ پند کتاب
مدیر باشگاه سخنرانی و فن بیان برج میلاد



زمانی که کتاب ۲۲۲ ضرب المثل سعی به دستم رسید آن را چهار مطالعه کردم. بیکار برای خواندن اوایه و بار دوم برای یادداشت برداری کردن از محتوای غنی کتاب. به استاد محسن صادقی نیه نویسنده توانمند و جسور این اثر تبریک می‌گویم که شرافت شکستن مرزها شکستن عرف

و شکستن باورها و ضرب المثل‌های مسموم را به خود داده است. این کتاب هتوای بسیار دمت اولی دارد که با تلاش‌های فکری بسیار نویسنده به بار نشسته است. بارها در حین مطالعه این اثر تحقیری و زیاده‌خود می‌گفتم کاش روزی برسد که ضرب المثل‌های مسموم از فرهنگ و ادبیات ما حذف شده و ضرب المثل‌های شیرین استاد صادقی جایگزین آن شود. اما اس‌های ۱۰ سال قبل خود را نمی‌پوشیم ولی شوربختانه گاهی با باورهای ۱۰۰ سال قبل زندگی می‌کنیم. این کتاب با سبک شگنی این باورهای پوسیده را با باورهای مثبت، خردمندانه و حکیمانه جایگزین می‌کند. از این که کشورمان چنین نویسنده و استادی ارزشمندی دارد به خود می‌بالم و به دوستی خود با استاد محسن صادقی افتخار می‌کنم.

حسین شیرمحمدی

سخنران عربی توسعه فردی

نویسنده ۶ عنوان کتاب و مدیر وبسایت Mahmoudnecji.com



